

## نرخ بیکاری در فصل بهار به ۸،۲ درصد رسید از ۳۲ میلیون زن، تنها ۴ میلیون نفر شاغلند

مرکز آمار اعلام کرد که در بهار ۱۴۰۲ نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر ۸،۲ درصد و نرخ مشارکت اقتصادی ۴۱،۲ درصد بوده است. به گزارش خبر آنلاین، از جمعیت ۳۲ میلیون و ۹۵ هزار نفری مردان، بیش از ۲۰ میلیون نفر مشغول به کار هستند. این در حالی است که از جمعیت ۳۲ میلیون و ۱۷۰ هزار نفری زنان تنها ۳ میلیون ۸۶۶ هزار نفر مشغول به کار هستند. بر اساس این گزارش اگرچه جمعیت زنان ۱۵ ساله و بیشتر در بهار ۷۴،۱۴۰ هزار و ۹۷۷ نفر بیش از جمعیت مردان در همین بازه سنی بوده، اما نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۴،۱ درصد و نرخ مشارکت مردان ۶۸،۳ درصد بوده است. جمعیت شاغلین ۱۵ ساله و بیشتر در این فصل ۲۴ میلیون و ۳۰۶ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۷۲۸ هزار نفر افزایش داشته است. بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در بهار ۱۴۰۲، بخش خدمات با ۵۱،۳ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده و در مراتب بعدی، بخش‌های صنعت با ۳۰،۱ درصد و کشاورزی با ۱۵،۵ درصد قرار دارند. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله، حاکی از آن است که ۲۱،۶ درصد از فعالان این گروه سنی در بهار ۱۴۰۲ بیکار بوده‌اند.

## کارکنان شرکتی دانشگاه علوم پزشکی ایران شهر سه ماه حقوق نگرفته‌اند

حدود هزار و ۷۰۰ نفر از پرسنل شرکتی دانشگاه علوم پزشکی ایران‌شهر، سه ماه است حقوق نگرفته‌اند. تعدادی از این افراد در گفت‌وگو با ایلنا گفتند: با توجه به اینکه اکثر ما مستاجر هستیم و حداقل حقوق را دریافت می‌کنیم، هیچ پس‌اندازی نداریم و سه ماه عدم دریافت حقوق همه ما را در مضیقه قرار داده است. این نیروهای شرکتی می‌گویند: جدا از تعویق حقوق، بیمه درمانی کارکنان شرکتی نیز با مشکل روبه‌رو شده و همه خدمات درمانی خود را به صورت آزاد و از جیب پرداخت می‌کنیم. آنهایی که بگویند سایر پرسنل این اداره حقوق خود را دریافت کرده‌اند و حتی بیمه درمان آنها به موقع پرداخت می‌شود اما همان حداقل حقوق را هم نمی‌گیریم و کسی پیگیری این موضوع نیست. اگر اعتراض کنیم می‌گویند نیروز یاد است و به راحتی اخراج می‌کنند.

## تجمع کارگران وزارت نفت مقابل نهاد ریاست جمهوری



تعدادی از کارگران ارکان ثالث وزارت نفت با تجمع مقابل نهاد ریاست جمهوری به اعتراض خود پرداختند. کارکنان پیمانکاری اعتراض کردند به گزارش ایلنا، این کارگران مهم‌ترین خواسته خود را حذف شرکت‌های پیمانکاری عنوان کردند و افزودند: قریب به ۱۰۵ هزار نفر به صورت شرکتی در شرکت‌های دولتی تابعه وزارت نفت مشغول کارند که درخواست همه آنها خروج شرکت‌های پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم با وزارت نفت است. آنها با انتقاد از عملکرد دولت اظهار داشتند: موضوع خروج پیمانکاران از صنعت نفت چندین سال است که از سوی دولت به ویژه در سفرهای استانی رئیس جمهور به مناطق نفت خیز جنوب کشور مطرح می‌شود اما تاکنون کاری برای اجرای این مطالبه کارگران انجام نشده است. این کارگران اظهار داشتند: سال‌هاست تحت مسئولیت شرکت‌های واسطه‌ای مشغول کار هستیم؛ شرکت‌هایی که به بهانه تامین نیرو و عملاً هیچ نقشی در ارائه خدمات ندارند. کارگران و کارکنان ارکان ثالث از رئیس جمهور درخواست کردند موضوع حذف شرکت‌های پیمانکاری تاکنون نیرو را با جدیت پیگیری کند و هزاران کارگر متخصص را از بلا تکلیفی و آینده مبهم شغلی نجات دهد.

## کارکنان فوریت‌های پزشکی زنجان: امتیازات شغلی را به ما نمی‌دهند

کارکنان فوریت‌های پزشکی خواستار اصلاح قانون تعرفه‌گذاری و بهبود شرایط شغلی خود شدند. تعدادی از این افراد در گفت‌وگو با ایلنا گفتند: یکی از سخت‌ترین و پر استرس‌ترین مشاغل دنیا را داریم. در این شغل مواجهه روزانه با بیماری و مرگ داریم و تأثیرات روانی منفی آن بسیار سنگین است. با این حال، دستمزدی که می‌گیریم به اندازه نصف هزینه‌های زندگی نیست. کارانه‌های ماناچیز است و از فوق العاده خاص و تسهیلات و رفاهیات خبری نیست. تعرفه‌گذاری هم بعد از ۱۵ سال اجرائی شده اما مابرای ما آورده‌ای نداشته است. پرسنل فوریت‌های پزشکی زنجان می‌گویند: تعرفه معروف به نظام پرسناری ما مهاست که شکست خورده اما وزارت بهداشت این شرکت‌ها را نمی‌پذیرد. گروه‌های مختلف کادر درمان از پرداختی‌های ناچیز ناراضی‌اند و بارها اعتراض کرده‌اند اما کسی به این اعتراضات توجهی نمی‌کند.

بحث از ابعاد اقتصادی و اجتماعی برنامه هفتم توسعه کشور آن هم با نگاهی که منافع جامعه کارگری و بازنشستگی کشور را تامین کند، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این روزهای کارشناسان و فعالان اقتصادی و اجتماعی کشور است. در شرایطی که نمایندگان مجلس بیش از هر زمان دیگر با پندها و ماده‌های این برنامه در کمیسیون‌های تخصصی مجلس درگیر هستند، مسائلی در این لایحه مطرح است که در صورت تصویب می‌تواند ابعاد بسیاری از زندگی مردم و به ویژه فروستان جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. در این زمینه خبرگزاری کار ایران در گفت‌وگو با «حسین کمالی» دبیر کل حزب اسلامی کار و وزیر کار و امور اجتماعی دولت‌های سازندگی و اصلاحات به بررسی این موضوع پرداخته است.

■ ■ ■

**در لایحه برنامه هفتم توسعه بر موضوع رشد اقتصادی و رسیدن به رکوردهایی مانند رشد ۸ درصدی و تورم تک‌رقمی شده تأکید شده است. محتوای این برنامه را چه میزان در جهت تحقق این رکوردهای اقتصادی ارزیابی می‌کنید؟**

دولت ایده‌آل‌ها و آرزوهای خود را در پیش‌نویس قانون برنامه هفتم توسعه مکتوب کرده است. دولت در این لایحه بدون آنکه اجزای این برنامه را با هم مرتبط و متناسب کرده و در یک قاعده علت و معلولی و سببی آن را بسنجد، پیش‌بینی کرده که چه اتفاقاتی بر اساس آنچه دولت تصور کرده، رخ خواهد داد. شاید بشود به جای تفسیر، در مورد این برنامه نویسی از عنوان تعبیر یاد کرد زیرا تنها کسانی که در خوابند می‌توانند این مطلوبات را در کنار هم قرار دهند و بدون آنکه به مقدمات واجب آنها توجه داشته باشند، انتظار داشته باشند که این پیش‌بینی‌ها در آینده رخ دهد. رشد اقتصادی مطلوب ناشی از یک تلاش اقتصادی و اجتماعی مطلوب در کشور است. آیا این تلاش اقتصادی و اجتماعی در کشور بر نامه‌ریزی و سازماندهی شده یا اینکه بدون توجه به مقدمات آن نشسته‌ایم و آرزو می‌کنیم که در آینده دارای یک رشد اقتصادی ۸ درصدی شویم؟

دولت‌ها گاهی دستاوردهای غیر واقعی به نمایش می‌گذارند تا بگویند به بخشی از اهداف برنامه‌های طراحی شده، رسیده‌اند. برای مثال در بحث اشتغال با اینکه واحدهای اقتصادی بسیاری در اثر سیاست‌های اقتصادی دچار بحران و رکود شده و کارگران یکی پس از دیگری، مشاغل خود را از دست می‌دهند، دولت با ابزاری مثل شناسایی افراد با دو ساعت کار در هفته به عنوان شاغل یا محاسبه زنان خانه‌دار و دانشجویان بیمه‌شده، ادعای کند که شغل ایجاد شده است. مثال دیگر ارائه دستورالعمل‌های غیر واقعی اینکه مسافرت مردم را به عنوان مصداق رفاه معرفی می‌کنند. این نوع مواجهه با توسعه به ساده‌اندیشی و ساده‌انگاری نزدیک است تا واقع‌گرایی. مثلاً وقتی می‌گوییم که ۵۰ میلیارد دلار در ظرف ۵ سال جذب سرمایه خارجی می‌کنیم، باید ببینیم طی دو سال گذشته چند میلیارد سرمایه جذب کردیم که می‌خواهیم

## به از هم گسیختگی و بی‌نظمی در لایحه دولت اشاره می‌کنید. از این منظر چه آسبایی به منافع جامعه کارگری و بازنشستگان وارد می‌شود؟

در مورد جامعه کارگری، صندوق بیمه‌ای آنها مورد کم‌لطفی قرار گرفته و برای مثال جرایم بیمه‌ای که مشمول بهره مرکب بودند تبدیل به سود ساده شده‌اند. دولت دنبال این است که فقط اصل بدهی را به صندوق‌های بیمه‌ای کارگران، بدون سود آن پرداخت کند. دولت به عنوان یک کارفرمای بزرگ، تمایل دارد از پرداخت‌های خود فرار کرده و بدهی‌های خود را نپردازد. مثلاً همان بحث درصد سهم دولت در حق بیمه کارگران، این برنامه یک درصد کمتر شده است. همچنین تلاش شده موسساتی که زیر مجموعه دولت هستند، کمتر پرداخت کنند و به نوعی دولت از زیر بار تعهدات خود فرار کند. نرخ کارگران برای بیمه خود پرداخت می‌کنند افزایش داده و تعهد دولت در قبال آن را کمتر می‌کند. این نشان می‌دهد که در این لایحه فشار قابل توجهی را روی دوش جامعه کارگری گذاشته‌اند.

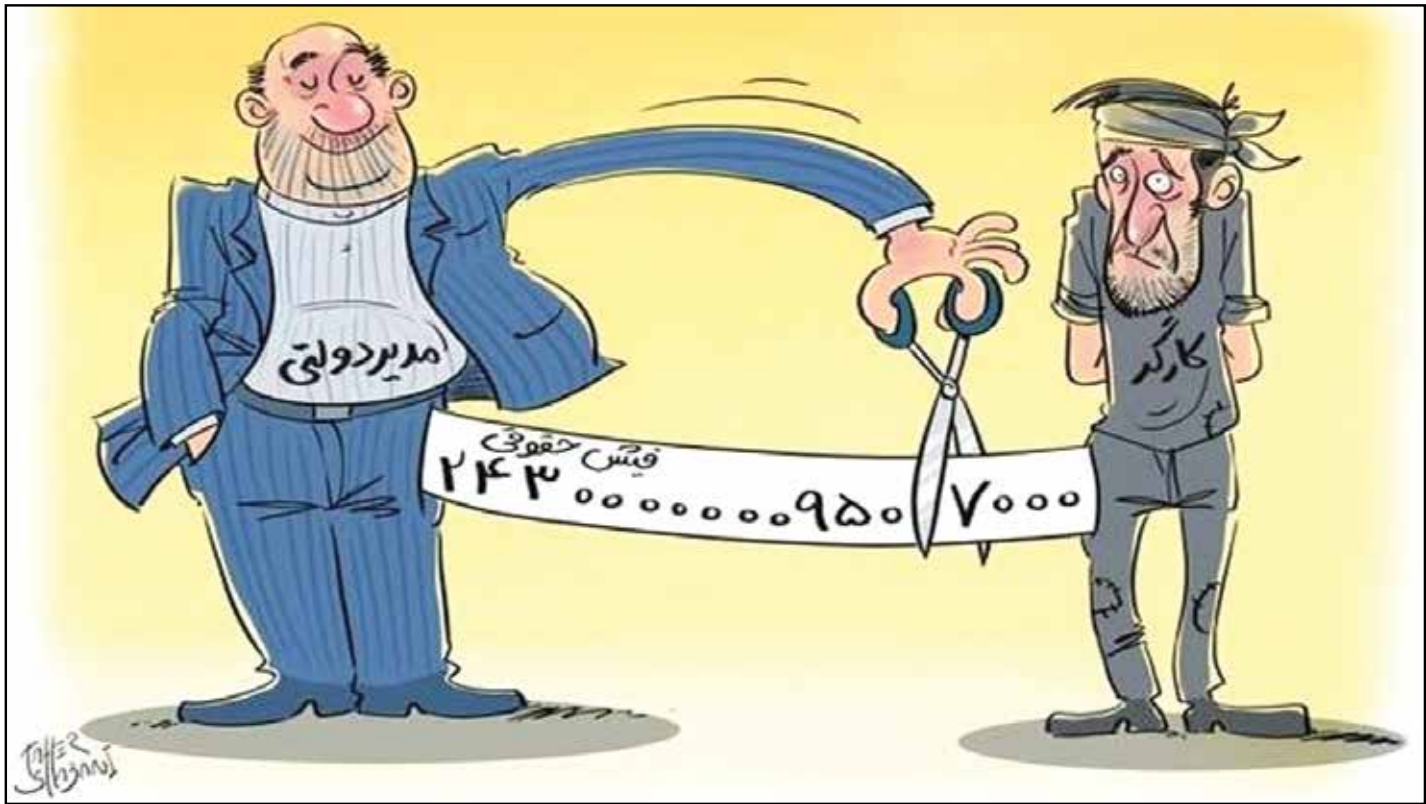
دولت در این پیش‌نویس تلاش کرده از زیر بار مسئولیت خود در قبال تامین اجتماعی فرار کند ولی آنجایی که بحث به مدیریت بر می‌گردد، تلاش دارد تا تصدی و مدیریت خود را حفظ کند. دولت نه تنها خود را مقصر نمی‌داند، بلکه احتمالاً فکر می‌کند که بیشترین نقش مثبت را خودش داشته حال آنکه هر چه بحران و مشکل در صندوق تامین اجتماعی است، حاصل مداخله دولت‌هاست. اگر دخالت‌های دولت‌ها کاسته شده و نوعی رقابت پذیری شکل گرفته بود، شاید این اتفاقات در حوزه بیمه‌ای نمی‌افتاد.



در ادامه آن به ۵۰ میلیارد دلار برسیم؟ کل جذب سرمایه دولت جدید طی دو سال گذشته بعید است به ۲ میلیارد یورو برسد. حال چطور این رقم قرار است به ۵۰ میلیارد یورو برسد؟ یاروش‌ها و مدل دیپلماسی مادر دنیا بسیار متفاوت شده که انتظار یک تغییر بزرگ سیاسی و اجتماعی دارند؟ در رابطه با نرخ تورم هم عملکرد دو سال اخیر روشن است. پیش‌بینی نرخ تورم تک‌رقمی یعنی مسئولان دوست دارند که نرخ تورم تک‌رقمی شده همین. در این لایحه همچنین اعدادی مرتب تکرار می‌شوند. مدام عدد ۱۰ درصد در حوزه‌های مختلف بدون هر گونه محاسبه دقیقی آمده است. گاهی نیز نوعی قانون‌گریزی و محدودسازی در لایحه دیده می‌شود.

## دبیر کل حزب اسلامی کار:

# دولت به جای کمک به مزدبگیران از آنها امتیاز می‌گیرد



چیزی که در این میان مطرح است این است که روند باید در یک فضای شفاف انجام شود.

**در فصل پنجم لایحه برنامه توسعه، بحث افزایش سن بازنشستگی مطرح شده است. آیا این موضوع می‌تواند مشکلات صندوق‌های بازنشستگی را در ایران حل کند؟**

بند (خ) فصل پنجم بسیار بد نوشته شده و از نظر نگارشی نیز نامفهوم و غیر دقیق است. خود این بند (ب) همین فصل تناقض دار و مشخص نیست افزایش سن بازنشستگی به نحوی که در این بند نوشته شده، در مورد مشاغل سخت و زیان‌آور نیز صادق است یا خیر!

احساس می‌شود که دولت در مواد مختلف تلاش کرده تا امتیازات کارگران را در همین بخش بازنشستگی نیز محدود کرده و شرایط را برای زندگی آنها را سخت‌تر کند. به رغم اینکه دولت مدعی حمایت از محرومین است، دقیقاً بر خلاف این ادعا عمل کرده است. دولت بیشتر از کارگران می‌گیرد تا آنکه به این بخش از جامعه چیزی بدهد. در این برنامه سعی شده افراد جدیدی بیمه شوند و تعهدات بیمه‌ای دولت بیشتر شود اما با افزایش سهم حق بیمه پرداختان و کاستن سهم دولت تلاش شده تا از جیب شغالین زیر چتر تامین اجتماعی، با بیمه شدن آن افراد جبران شود. به نوعی این کار دولت مثال معروف «از کیسه خلیفه بخشیدن» است.

همچنین در این پیش‌نویس آمده که معیار پرداخت مستمری در طول بازنشستگی، حقوق دریافتی پنج سال آخر باشد و معیار بودن دو سال آخر لغو شود. چنین اقدامی نیز باعث کاهش کل پرداخت به نیروی کار می‌شود. در بحث سنوات بیمه‌ای سربازان و وظیفه نیز مسئولیت دولت به اخذ بیمه این سنوات حذف شده است.

**در فصل ششم لایحه به بحث توزیع کالا بزرگ اشاره شده است. این بحث البته مناقشات زیادی ایجاد کرده؛ بر این مشخص نیست چند دهک قرار است مشمول در یافت کالا بزرگ الکترونیکی باشند. از نظر شما آیا این کالا بزرگ باید عمومی توزیع شود یا صرفاً چند دهک از جمله جامعه کارگری باید از آن بهره‌مند شوند؟**

بحث پایه‌ای این است که جامعه کارگری باید قبل از هر چیز در زمینه مزد و درآمد تقویت شود. اینکه دولت ادعا کند که به جای حداقل دستمزد به کارگران کالا بزرگ بدهد، امر مخربی است که در بلندمدت باین شرایط تورمی و با وضعیت درآمدی و معیشتی موجود کارگران، سیاست زیان‌باری است و جامعه کارگری نباید زیر بار آن برود اما اگر خط فقر را اساس کار قرار دهیم، همه افرادی که زیر خط فقر حقوق می‌گیرند، باید کالا بزرگ دریافت کنند.

کالا بزرگ اساساً در کوتاه‌مدت نیازهای جامعه را به خصوص در بخش خوراکی رفع می‌کند اما دراز مدت ممکن است جایگزین درآمد و افزایش حقوق شود، لذا خطر ناک و به ضرر نیروی کار است.

نهاد قرار دارند. این موسسه در ذات خود متعلق به جامعه کارگری است. جامعه کارگری در پی سال‌های اخیر و قوانینی که وضع شده، مرتب اختیارات خود را در برابر دولتی‌ها از دست داده است. حتی بانک رفاه کارگران را که بانکی متعلق به کارگران است، از نظر سهام از زیر دست جامعه کارگری خارج کرده و قصد واگذاری آن را دارند.

مهم‌تر اینکه دولت در مورد تامین اجتماعی از مدیریت خود کوتاه نیامده و لسی در عوض، مسئولیت خود را در برابر بیمه‌شدگان کاهش داده است. باین لایحه، اگر دولت فردا اعلام کند که مسئولیتی در قبال بدهی‌های تامین اجتماعی ندارم و اگر این صندوق فاقد پول است، نباید افزایش حقوق صورت بگیرد، کسی نمی‌تواند از نظر حقوقی به دولت اعتراض کند زیرا این موسسه عمومی و غیر دولتی است.

دولت حس می‌کند قلم جامعه کارگری است و کارگران از توان علمی کافی برای مدیریت سازمان بهره‌مند نیستند اما اداره دولتی باعث شده این صندوق به نقطه‌ای برسد که هر روز نگرانی وجود دارد که منابع آن تمام شده و ورشکست شود.

## دولت گاهی دستاوردهای غیر واقعی به نمایش می‌گذارد. برای مثال با شناسایی افراد با دو ساعت کار در هفته به عنوان شاغل یا محاسبه زنان خانه‌دار و دانشجویان بیمه‌شده، ادعا می‌کند که شغل ایجاد شده است

در مورد مساله دوم هم باید گفت که مشکل اقتصاد ما در بحث رقابت این است که مقررات و قواعدی دست‌وپاگیر وجود دارد که بخش خصوصی را زمین گیر کرده است و اجازه فعالیت را به آن نمی‌دهد. خصوصی سازی به معنای به حراج گذاشتن و تاراج اموال دولتی باقیمانده نیست، خصوصی سازی به این معناست که مقرراتی وضع شود که مردم و کارآفرینان بخش خصوصی خود بتوانند سرمایه‌گذاری کرده و اقتصادی را شکل دهند. دولت نباید مانع آنها شود ولی در اینجا برعکس آن رخ داده است. خصوصی سازی در ایران چنین شده که دولت خود با پول نفت موسسات و شرکت‌هایی را تأسیس کرده و حالا که نمی‌تواند آنها را اداره کند، در یک روند غیر شفاف، اموال مردم را عرضه می‌کند.

اینکه اموال صندوق‌ها وارد سیستم سهام‌داری شوند و خود مستقیماً مدیریت نداشته باشند، اصلاً ایرادی ندارد و می‌تواند بحث درستی باشد. اما



## کارگران باید در زمینه مزد و درآمد تقویت شوند. اینکه دولت ادعا کند که به جای حداقل دستمزد به کارگران کالا بزرگ بدهد، امر مخربی است که در بلندمدت و با این شرایط تورمی، بسیار زیان‌بار است

در حال حذف و نابودی است. کار به جایی رسیده که گفته شده به جای تامین اجتماعی، سازمان امور مالیاتی حق بیمه را جمع کند. معتمد این موضوع البته ایرادی ندارد اما هدفی که پشت این اقدام است، احتمالاً هدفی خیر نیست. قرار است پولی که برای تامین اجتماعی است را بانک نگه دارند و از زاویه‌ای تلاش این است که از سود لازم برای پرداخت بدهی‌های سازمان به این طریق فرار کنند. در واقع یک حمل قانونی برای چنین فراری در حال طراحی است.

**به تعارضات مفاد لایحه برنامه هفتم با هم اشاره کردید. این تعارضات را شامل چه مواردی می‌دانید؟**

در جاهایی از برنامه مثلاً درباره کارگاه‌های کوچک، خانگی و خرد بحث معافیت از پرداخت حق بیمه وجود دارد. گفته‌اند سالی نیم درصد این معافیت کاهش پیدا می‌کند ولی از سوی دیگر به کار خانگی و کارگاه‌های کوچک و متوسط وعده امتیازات می‌دهند. اگر قرار است امتیازاتی داده شود، چرا محدودیت برایشان می‌گذاریم و اگر قرار است محدود شوند، چرا به آنها امتیاز می‌دهیم؟

نوعی سردرگمی در کل سیاست‌های قانون برنامه مشاهده می‌شود. اقتصاد بر مبنای رقابت در هیچ بخشی از این برنامه شکل نگرفته و حتی در مواردی رسیدگی به وضعیت نهادهای زیر مجموعه رهبری را منوط به اجازه خود مقام معظم رهبری کرده‌اند. احتمالاً در مورد برخی نهادهای خاص نیز که در بخش اقتصادی فعال هستند هم همین رویه وجود دارد. در واقع ما فاقد یک اقتصاد مزیستی و رقابتی هستیم تا در صورت اصلاح وضعیت روابط بین المللی و رفع تحریم‌ها، اقتصاد کشور دوباره سرپا شده و رشد اقتصاد داشته باشد. همین ایده رشد ۸ درصد را هم بدون پایه و مبنای مطرح کرده‌اند. درآمد دولت که در قالب مالیات و سایر دریافت‌هاست با قدرت گرفته شده و آن بخشی که باید به مردم پرداخت شود تا بتوانند بهتر زندگی کنند، در برنامه غایب بوده و دیده نمی‌شود.

**بحث ادغام صندوق‌های بازنشستگی و واگذاری شرکت‌های تابعه صندوق‌ها در بورس برای جلوگیری از شرکت‌داری و عبور از شرایط مدیریت دولتی هم در این لایحه به چشم می‌خورد. این دو ایده چه قدر مطلوب و شدنی است؟**

در رابطه با ادغام تامین اجتماعی با سایر صندوق‌های بازنشستگی باید گفت این تصمیم ناشی از بی‌سیاستی افرادی است که برنامه را نوشتند. دارایی‌های موجود در تامین اجتماعی متعلق به کلیه بیمه‌شدگان است که زیر چتر این